

راه و رسم زندگی

عبدالمجید رشیدپور

عصبانیت؟

- * خشم عقلانی کدامست؟
- * نیروهای شگرف شیطان؟
- * دیوانگی آنی یادائی؟

و الغضب مفتاح کل شر

سرچشمه تمام زشتی ها و بدیها خشم است
(از کلمات آسان رسول اکرم ص)

خشم عقلانی کدامست؟

هر موجود زنده ای بزنگانی خود علاقه دارد ، آنچه اساس زندگی او را تثبیت میکند دنبال کرده و دست می آورد ؛ و در مقابل از هر چه زیان آور است ، و سبب او را در خطر می افتد ، گریزان بوده ؛ با آن مبارزه میکند . این جذب و دفع از نظر تجهیزات طبیعی ، در هر جاننداری بودیمه گذارده شده است ، خواه آن جاندار ، موجودی ضعیف و یا نهنگ کوه پیکری باشد روی همین محاسبه حیوانات هر یک قسمتی مجهز شده اند ؛ یکی پادندان و چنگال دفاع میکند ، دیگری بانیش زهر دار بمقابله بر می خیزد ؛ یکی حمله میکند ، دیگری قرار می نماید ؛ و به طور کلی هر یک به نازنی از ناملایمات خود ، جلوگیری می نمایند . انسان هم که از این راه گذر بی بهره نیست ، در نتیجه مستثنی نخواهد بود .

بمنافع خود روی آورده ؛ از زیانها و آفتها گریزان است ؛ و از حقوق حرامی خود دفاع میکند . موقعیکه جان و مال و یا ناموس خود را در خطر می بیند ، از نشئه نظر طبیعی و خشم دگرگون شده ، آثار خشم و غضب را در او نمایان میشود ، اولین مرحله دفاعی انسان از

خشم آغاز میگردد ، در چنین موقعی تمام نیروی عقلی و فکری و جسمی متمرکز شده ، در راه از بین بردن خطر ؛ و مبارزه با دشمن ، متمرکز میگردد .

از این مقدمه بخوبی روشن میشود ، که خشم و غضب ارتباط مستقیمی با حالت دفاعی انسان دارد . و روی همین اصل میتوان گفت که عامل پیدایش خشم با آفرینش انسان مرتبط میباشد . روی این محاسبه ؛ نمیتوان اساس غضب را تخطئه کرد ، بلکه وجود آن بازندگی انسان توأم میباشد ؛ و همه بدگوئیهایی که درباره خشم میشود ، همه و همه متوجه جنبه های افراطی آن میباشد . چه عموماً طوریکه غضب بیجا و بیمورد زشت و ناپسند است ، گاهی هم ترک خشم زنده و غیر مطلق میباشد .

نیروهای شگرف شیطانی

اکنون مورد بحث نیروی آشکار گردید ، و معلوم شد که منظور از تخطئه غضب ، موردیست که از میزان اعتدال خارج ، و دستگاه فکری و عقلی را مختل نموده باشد ، در چنین موقعی سنجش و تعقل ، جای خود را به عواطف و احساسات تعدیل نشده میدهد .

در نتیجه کارگاه عقل انسان دچار یک نوع رکودی میگردد . تسمیئات و استدلالات همه از سر ای احساسات و عوامل سیراب گشته ، و از منطقی و عقل بر کنار می باشد . این چنین خشمی ناپسند است همین غضب زشت است ، که علی (ع) از آن به نیروهای خطرناک شیطانی تعبیر فرموده است . در نامه ای که آنحضرت بچارت همدانی می نویسد ، میگوید ؛ از خشم و غضب بپرهیز ؛ چه یکی از نیروهای قوی شیطان خشم است (۱) .

یکه عطا لعه عمیق درباره سخنان پیشوایان دینی ؛ این نکته را آشکار میسازد که تمام بدگوئیها درباره خشم همه و همه نظریه جنبه های افراطی آن دارد ، و ما در اینجا برای نمونه بدترین از آنان اشاره مینمائیم ؛

امام جعفر صادق (ع) از جدش علی (ع) نقل میکند که آنحضرت فرمود ؛ بنده بر گزیده خدا کسی است که چون دچار خشم گردد از راه راست انحراف نیابد ، و چون بکاری راضی شود ؛ این بپوشش و اقبال او را در باطل نیندازد (۲) .

در مورد دیگری حضرت علی (ع) میفرماید ؛ مردان با راسکاسان هستند که چون بخشم در افتند راه ستم نبینند (۳) .

(۱) نهج البلاغه (۲) اصول کافی (۳) اصول کافی .

دیوانگی آنی یادامی

در مورد خشم بیجا ؛ پس از سرد شدن احساسات داغ ، و بکار افتادن چرخ عقل و فکر ؛ حالت ندامت و پشیمانی در شخص عصبانی بوجود می آید ؛ و هر اندازه بدبختی و نکبت بشمرسد ندامت آن هم قوی تر خواهد شد ، ولی غرضی که از روی منطلق عقلی بوجود آمده باشد ، پشیمانی به همراه نخواهد داشت .

علی (ع) تندخویی و عصبانیت را نوعی از دیوانگی قلمداد فرموده است ؛ چه شخص تندخو از کرده خود پشیمان می گردد ؛ و اگر پشیمان نکشد دیوانگی او دائمی می باشد (۱) .

این چنین خشم و غضبی ، مورد تنفر زعمای دینی قرار گرفته است ، و همین نوع خشم است ، که گاه باعث آلودگی های بسیار تند و سادی می گردد ؛ و میتوان گفت که خشم هم مانند برخی از گناهان ، دارای دامنه بسیار وسیع می باشد ، و از آن معاصی و گناهان بزرگ دیگری متولد می گردد ؛ که میتوان قتل و جنایت و امثال آنرا نام برد .

امام جعفر صادق (ع) می فرماید ؛ غضب کلید تمام زشتی ها و بدی ها است (۲) .
اصولاً باید سعی کرد که انسان بچنین مرحله عطرناکی وارد نگردد و اگر راه رهایی و نجات از چنین بحران نازنده کار بسیار سخت و صعب می باشد .

(۱) نهج البلاغه (۲) اصول کافی و جامع انسان .

خرج کردن در راه های غیر مشروع

حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمودند ؛ بدانید که خرج کردن مال در راه های غیر مشروع ، اسراف است و این قبیل خرج کردن مال ، هر چند صاحب مال را در دنیا عزیز کند ولی او را در عالم آخرت ذلیل میگرداند ، و اگر روزی ورعی بر گردد و پاهای صاحب آن مال بلغزد و بر قیماش محتاج شود همان در رفیقان که بواسطه مال رفاقت مینمودند با وی بی و قائی خواهند کرد و بکمک او قیام نخواهند نمود .
(نقل از نهج البلاغه)